

الگو تربیتی قرآن

جعفر جویباری

دانشجوی مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن

و قدت قمیصه من دبر و الفیا سیدها لدا
الباب قالت ما جزاء من اراد با هلك سوء
الا ان یسجن او عذاب الیم» ۲۵ (یوسف/
۲۵-۲۳): و آن زنی که حضرت یوسف (ع)
در خانه او بود، از او تمنای کامجویی کرد.
درها را بست و گفت: «بیا به سوی آنچه برای
تو مهیاست!» حضرت یوسف (ع) گفت: پناه می برم
به خدا! او صاحب نعمت من است. مقام مرا گرامی
داشت (آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنم؟)
مسلماً ظالمان رستگار نمی شوند. آن زن قصد او
کرد، او نیز - اگر برهان پروردگار را نمی دید - قصد
وی می نمود. این چنین کردیم تا بدی و فحشا را از
او دور سازیم؛ چرا که او از بندگان مخلص ما بود. و
هر دو به سوی در دویدند (در حالی که همسر عزیز،
حضرت یوسف (ع) را تعقیب می کرد) و پیراهن او را
از پشت او کشید و پاره کرد. در این هنگام آقای آن
زن، او را نزدیک دریافت. آن زن گفت: کیفر کسی
که می خواهد نسبت به اهل تو خیانت کند، جز
زندان و یا عذاب دردناک چه خواهد بود؟

«قال رب السجن احب الی مما یدعوننی الیه
و الا تصرف عنی کیدهن اصب الیهن و اکن من
الجاهلین» (یوسف/۳۳): یوسف گفت: پروردگارا!
زندان برای من بهتر است از آنچه آن ها مرا به سوی
آن می خوانند، و اگر مکر و نیرنگ آن ها را از من
دور نگردانی، به سوی آن ها متمایل خواهم شد و از
جاهلان خواهم بود.
دوست داشتن زندان از روی علاقه نیست بلکه
برای انتخاب (اقل المحذورین) است (طیب، ۱۳۶۶،
ج: ۱۷۹). چون امر دایر شد، بین زندان و مخالفت
پروردگار، او گزینه اول را انتخاب می کند. بعد زندان
را مدرسه می سازد و تبلیغ را در آنجا آغاز می کند.

حضرت یوسف (ع)، پیامبر الگو

حضرت یوسف (ع) فرزند حضرت یعقوب، فرزند
اسحاق، فرزند ابراهیم (ع) است. وی ۱۲۰ سال عمر
کرد که روایت رسیده از رسول خدا نیز همین مطلب
را می رساند.

یعقوب ماه و عشرين

گرچه پیامبران خدا همه نمونه و الگوی کامل در
همه زمینه ها، از جمله حیا و عفت بوده اند، اما قرآن
حضرت یوسف را در این زمینه الگو معرفی می کند.
او صفت های بی شمار دیگری نیز داشته است، ولی
به دلیل اینکه این داستان آثار تربیتی زیاد دارد، قرآن
مجید به تمام آن داستان با بیان لطیف پرداخته
است. ما نیز به گوشه های تربیتی آن اشاره می کنیم.
«و راودته الی هو فی بیتها عن نفسه و غلقت
الابواب و قالت هیئت لک قال معاذ الله انه ربی احسن
مشوای انه لا یفلح الظالمون ۲۳ و لقد همت به هم
بها لولا ان رءا برهان ربه کذلک لنصرف عنه السوء و
الفحشاء انه من عبادنا المخلصین ۲۴ و استبقا الباب

وجوه الگویی حضرت یوسف الف. عفت

در داستان تربیتی حضرت یوسف (ع) تمام مطالب به صورت ظریف بیان شده و از هیچ چیز فروگذار نشده است. با توجه به آتش غریزه جنسی برای جوانان و لزوم رعایت عفت، قرآن فضایی را که برای یوسف پیش آمد، بیان می کند که کاملاً خارق العاده است. برای تجسم بهتر آن فضا به دو نکته باید توجه کرد:

۱. آتش غریزه جنسی برای جوان.
۲. دوری از خانواده و کشور خویش و تبعات دوری از خانواده که فشار روحی زیادی بر انسان وارد می کند.

هستند افرادی که به بهانه کاستن از ناراحتی روحی به دنبال اعتیاد، لهو و لعب و گناهان دیگر می روند. در حالی که درخواست کامجویی از سوی آن زن نوعی تفقد به حساب می آمد. حضرت یوسف (ع) در آن زمان غلام سلطان بود و می دانیم غلام اختیار خود را ندارد. هر چه مولایش بگوید باید انجام دهد. او از این نظر نیز تحت فشار بود. هر فردی که در چنین فضایی قرار گیرد، ممکن است به بهانه اکراه، تن به گناه دهد.

با توجه به این نکات، مبارزه حضرت یوسف با «نفس اماره» واقعاً بی نظیر است و هیچ گونه عذری برای انسان هواپرست باقی نمی گذارد. زیرا هر چه فشار باشد، به اندازه محیط حضرت یوسف (ع) نمی رسد و حضرت یوسف (ع) بهترین الگوی تربیتی در عفت و پاکدامنی است. لذا خداوند می تواند در روز قیامت با این الگو علیه ما احتجاج کند.

ب. تبلیغ در هر شرایط

«مردان خدا از تمام ظرفیتها و امکانات برای پیاده کردن کلمه توحید بهره می گیرند و زمینه را برای تبلیغ فراهم می آورند. حضرت یوسف (ع) هم، علاوه بر آنکه لطف و خوش رویی سیره مردان بزرگ را داشت، به زندانیان تفقد می کرد (بلاغی، ۱۳۴۵، ج ۳: ۲۱۷). همان طور که از عبارت «یا صاحبی السجن...» (یوسف / ۳۹): ای رفیقان زندان من، استفاده می شود، او با این لحن می خواست حس عواطف آن ها را تحریک کند. بعد که در جلب اعتماد و توجه آن ها توفیق می یابد، تبلیغ توحید را در زندان آغاز می کند.

«آرباب متفقون خیر ام الله الواحد القهار» (یوسف / ۳۹): (حضرت یوسف (ع) به زندانیان گفت: در جهان اگر خدای واحد باشد، بهتر است

یا اینکه خدایان پراکنده!؟

این بهترین الگوی تربیتی است برای مبلغان اسلامی که هرگز مبلغ به فکر جمعیت کثیر یا تربیون و یا مسجد نباشد بلکه حتی در زندان هم می توان تبلیغ کرد و از فرصت ها و ظرفیت ها کمال استفاده را برد.

ج. احترام به والدین

همچنین، حضرت یوسف (ع) نسبت به پدر و مادر خود مهربان بود و آن ها را احترام می کرد که در این آیه به این مطلب اشاره شده است:

«فلما دخلوا علی یوسف آوی الیه ابویه و قال ادخلوا مصر ان شاءالله آمین ۹۹ و رفع ابویه علی العرش و خرواله سجدا ۱۰۰ (یوسف / ۱۰۰-۹۹): هنگامی که بر یوسف وارد شدند، او پدر و مادر خود را در آغوش گرفت و گفت: همگی وارد شوید در مصر که ان شاءالله در امن و امان خواهید بود. یوسف پدر و مادر خود را بر تخت نشانید و همگی به خاطر او به سجده افتادند.

از این سه دسته آیه که ذکر شد معلوم می شود که حضرت یوسف (ع) همان گونه که در جهاد با نفس می کوشید و استقامت می کرد، همین گونه هم با مادر و پدر مهربان بود و آن ها را فراموش نمی کرد. معلوم می شود که مقام پدر و مادر ارجمند است و ما موظف به احترام و ننگ داشتن مقام آن ها هستیم. حضرت یوسف (ع) همه این نعمت ها را از آن خدا می دانست و از او کمک می گرفت. خلاصه اینکه رو دست به سوی خدا داشتن، جهاد با نفس، احترام به پدر و مادر، و علم و حکمت، همه این ها او را یوسف واقعی و الگو ساخته است. آثار تربیتی این داستان آن است که جوانان ما اگر به مقامی رسیدند یا به مال و منالی دست یافتند، نباید والدین خود را فراموش کنند. این از برنامه های اسلامی نیست که جوانان والدین خود را رها می کنند یا از والدین خود فاصله می گیرند. حضرت یوسف فقط وقتی در جهاد با نفس توفیق یافت که او برهان و دلیل پروردگار خود را فراموش نکرد و ما به این فرهنگ امروز از هر زمان دیگر محتاج تریم. پس باید آن را احیا کنیم. از همه مهم تر، دعا و ذکر حضرت یوسف (ع) است که الگویی آموزنده و سرنوشت ساز برای جوانان ما محسوب می شود. وی برای استفاده از تمام ظرفیت ها به منظور تبلیغ، الگوی مؤثری فراروی مبلغان می گذارد. چه درسی بزرگ تر از اینکه او می گوید: «خدایا زندان برایم بهتر است از اینکه از بندگی تو فاصله بگیرم یا تابع نفس گردم!»

«مردان خدا از تمام ظرفیتها و امکانات برای پیاده کردن کلمه توحید بهره می گیرند و زمینه را برای تبلیغ فراهم می آورند»

